

The Foundation of Restorativeism and the Application of Criminal Mediation in Petty Financial Crimes in Iranian Law

Abdolreza Javan Jafari¹, Mohammad Norouzi^{2*}

1. Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

2. PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Abstract

The defects of the criminal procedure caused the attention of scholars to be directed to restorative institutions such as mediation, at least in response to minor crimes such as petty financial crimes. In fact, mediation as a branch of restorative justice seeks to deal with unimportant criminal acts such as petty financial crimes in the manner of arbitration. The purpose of writing this article is to study the application of the mediation in petty financial crimes as a minor crime in Iranian law. The working method in this research is descriptive-analytical and using original library sources. Based on research data, according to the innovative classification, small financial crimes are divided into two absolute and relative parts. In absolute petty financial crimes, the combination of the two factors of being forgivable and having one of the 6, 7 and 8 degrees of punishment are necessary, which indicate the lightness of these crimes. On the contrary, in the relative approach, small financial crimes are crimes that, due to the low value of their subject, there is no economic justification for the victim's criminal complaint. In this way, the detection of petty financial crimes in a relative approach depends on the victim's perspective and his ability; as the amount of the crime may be considered worthless in the eyes of one victim and valuable in the eyes of another victim. In the face of these crimes, contrary to the mediation institutions that are foreseen in response to absolute petty financial crimes, the legislator has not taken any special measures and In order to compensate the victim's losses, protect the society from further criminal damage and prevent the perpetrator's arrogance, it is necessary to entice the victim to file a lawsuit by providing special institutions that have minimal formalities and processing costs.

Keywords: Restorative Justice, Mediation, Decriminalization, Criminal Minimalism, Petty Financial Crimes

* Corresponding Author: m.r-noroozi@alumni.um.ac.ir



Article Type:

Original Research

Pages: 201-234

Received: 2023 April 16

Revised: 2023 June 07

Accepted: 2023 July 21





مبانی ترمیمی گرای و کاربست میانجی‌گری کیفری در جرایم مالی خرد در حقوق ایران

عبدالرضا جوان جعفری^۱، محمد نوروزی^{۲*}

۱. استادگروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۲. دانشجوی دکتری گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

چکیده

ضعف و معایب دادرسی کیفری باعث شده که دست‌کم درواکنش به جرایم کم‌اهمیتی چون جرایم مالی خرد، توجه اندیشمندان به نهادهای ترمیمی چون میانجیگری معطوف گردد. درواقع میانجی‌گری به عنوان یک شاخه از عدالت ترمیمی در پی رسیدگی به اعمال مجرمانه‌ی غیرمهم چون جرایم مالی خرد به شیوه‌ی کدخدامنشانه می‌باشد. هدف از نگارش این مقاله، مطالعه‌ی کاربست نهاد میانجی‌گری در جرایم مالی خرد به عنوان یک جرم کم‌اهمیت در حقوق ایران می‌باشد. روش کار در این پژوهش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع اصیل کتابخانه‌ای صورت گرفته است. بنا به داده‌های نظری پژوهش، طی تقسیم‌بندی ابتکاری، جرایم مالی خرد به دو قسم مطلق و نسبی تقسیم شده‌اند. در تحقق جرایم مالی خرد مطلق، اجتماع دو شرط قابل‌گذشت بودن و داشتن یکی از مجازاتهای درجه ۶، ۷ و ۸ تعزیری ضروری بوده که بیانگر سبک بودن این جرایم می‌باشند. برعکس در رویکرد نسبی، جرایم مالی خرد جرایمی هستند که به علت مبلغ کم موضوع آنها، توجیه اقتصادی لازم جهت شکایت کیفری بزه‌دیده وجود ندارد. بدین ترتیب تشخیص جرایم مالی خرد در رویکرد نسبی، بسته به نگاه بزه‌دیده و تمکن او بوده؛ چنانکه مبلغ موضوع جرم در دید یک قربانی ممکن است فاقد ارزش تلقی گردد و در دید بزه‌دیده‌ی دیگر ارزشمند. در مواجهه با این جرایم، برخلاف نهادهای میانجی‌گری که در واکنش به جرایم مالی خرد مطلق پیش‌بینی شده، مقنن تدابیر خاصی تدارک نکرده و به منظور جبران خسارات بزه‌دیده، حفظ جامعه از آسیبهای مجرمانه‌ی بعدی و ممانعت از تخریب مرتکب می‌بایست با پیش‌بینی نهادهای خاص که دارای حداقل تشریفات و هزینه‌ی رسیدگی بوده، بزه‌دیده را اغوا به اقامه‌ی دعوا کرد.

واژگان کلیدی: عدالت ترمیمی، میانجی‌گری، قضازدایی، کمینه‌گرایی کیفری، جرایم مالی خرد



نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۲۳۴-۲۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۳۰



تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

درآمد

ارتکاب جرم باعث آسیب به نظم جامعه و تجاوز به حقوق بزه‌دیدگان خصوصی شده و دستگاه عدالت کیفری با محاکمه و مجازات مرتکب، درصدد جبران این صدمات است. اما با توجه به مبانی چون آثار سوء دادرسی‌های قضایی، کمبود منابع این نهاد و بحران‌های کیفری به جهت پاسخگو نبودن به نیازهای قضایی جامعه، دخالت نهادهای عدالت سنتی می‌بایست از یک طرف محدود و مقیدگشته و از طرف دیگر با بهره‌گیری از نظریات جرم‌شناختی مختلفی چون جرم‌زدایی، کیفرزدایی، قضا‌زدایی^۱، برچسب‌زنی زمینه را برای گستره فعالیت‌های ترمیمی فراهم نماید. بدین ترتیب مطلوب است دست‌کم در مصاف با جرایم کم‌اهمیتی چون جرایم مالی خُرد، نهادهای جایگزین دادرسی سنتی چون عدالت ترمیمی^۲ به آنها رسیدگی کنند.

از منظر جرم‌شناختی در جرایم مالی خُرد نوعی انحطاط اخلاقی و در نتیجه ریختن قُبْح و وفور ارتکابشان وجود دارد. بنا به تقسیم‌ابتکاری، یک قسم از این جرایم مشتمل بر نقض حقوق مالکانه‌ی اشخاص بوده که بزه‌دیدگان آن با محاسبه هزینه- فایده شخصی خود، تمایلی به اقامه و پیگیری شکایت ندارند. به عنوان مثال گفته شده با سرقت دستگاه رادیو- ضبط صد هزار تومانی، ممکن است بزه‌دیدگان تصور کنند که این عمل مجرمانه ارزش صرف وقت جهت مراجعه به کلانتری یا دادسرا را ندارد و منطقی نیست که برای جبران خسارتی اندک، زمان و هزینه زیادی را صرف شکایت و تعقیب مرتکب جرم کنند^۳. بدین ترتیب از بارزترین فاکتورهای تشخیص خُرد بودن جرایم مالی در رویکرد نسبی، کم ارزش بودن مبلغ

1. Diversion

منظور تحدید صلاحیت نهادهای قضایی به نفع سایر نهادها و روش‌های رسیدگی است.

2. Restorative justice

۳. دکتر غلامرضا محمد نسل، مقاله چاپ شده در روزنامه ایران، تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۲، صص ۱۱-۱۲.

موضوع جرم از نگاه بزه‌دیده می‌باشد. علت نسبی نامیدن این رویکرد از آن جهت است که محدوده‌ی خُرد بودن این مبلغ بنا به نگاه بزه‌دیدگان متفاوت است؛ یعنی موضوع جرمی با مبلغ مشخص، ممکن است از نگاه یک بزه‌دیده خُرد باشد و از نگاه بزه‌دیده‌ی دیگر مهم و ارزشمند. البته ممکن است مبلغ موضوع جرم کمتر از حدی باشد که در نگاه عموم قابلیت شکایت و پیگیری وجود داشته باشد؛ چنانکه موضوع جرم سرقت مداد و یا پاک‌کنی ساده باشد. این موضوع در حقوق انگلستان و فرانسه، از جمله مصادیق اعمال «بی نزاکتی‌ها یا بی ادبی‌های عمومی»^۱ بوده (آقایی‌نیا و جوانمرد، ۱۳۹۰، ص. ۱۱) و با آنکه در واکنش به این اعمال، معمولاً پاسخ اجتماعی صورت می‌گیرد، لکن در برخی نظام‌های حقوقی چون ایران برای آنها تعیین مجازات شده است. در نقطه‌ی مقابل و از نگاه رویکرد مطلق، جرایم مالی خُرد، جرایمی هستند قابل گذشت، که مستوجب مجازاتهای تعزیری درجه ۶، ۷ و یا ۸ می‌باشند. البته قابل گذشت بودن برخی از این جرایم همچون سرقت و کلاهبرداری منوط به کمتر بودن مبلغ موضوع آنها از حدنصاب قانونی شده^۲ و بالعکس در جرایمی چون خیانت در امانت، فارغ از مبالغ موضوع آنها و به طور مطلق خُرد و قابل گذشت شناخته شده‌اند. با این تعریف از جرایم مالی خُرد مطلق و با توجه به عدم تعیین حداقل نصاب مبلغ موضوع این جرایم، ممکن است تصور شود که جرایم مالی خُرد نسبی اصولاً از جنس جرایم مالی خُرد مطلق بوده که به علت فقدان توجیه اقتصادی، بزه‌دیده رغبتی به پیگیری کیفری ماجرا ندارد. بر پایه‌ی این استدلال، جرایم مالی درجه ۶، ۷ و ۸ تعزیری که قابل گذشت بوده و برای بزه‌دیده ارزش مالی شکایت نداشته باشد، خُرد نسبی محسوب و در صورت داشتن توجیه اقتصادی شکایت برای وی، خُرد مطلق محسوب می‌گردد. لکن دور

1. Uncivilit

۲. این حد نصاب جرایم مالی در ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است.

از ذهن نیست در جرایم مالی چون کلاهبرداری هم که مستوجب مجازاتی غیر از مجازاتهای درجه ۶، ۷ و ۸ بوده، بزه‌دیده با توجه به ناچیز بودن مبلغ موضوع جرم، میلی به شکایت کیفری نداشته باشد. همچنین ممکن است در جرم مالی چون سرقت، مبلغ موضوع جرم بالاتر از حد نصاب قانونی بوده، لکن با توجه به تمکن بالای بزه‌دیده، تمایلی به تعقیب کیفری از سوی او وجود نداشته باشد.

در اهمیت بحث جرایم مالی خُرد و مطالعه‌ی مبانی ترمیمی‌گرایی در مصاف با این جرایم باید گفت که درصد بالایی از بزه‌دیدگی‌های گزارش نشده متعلق به همین جرایم می‌باشد؛ چنانکه عده‌ای طی مطالعات پیمایشی خود به این نتیجه رسیده‌اند که در جرایم مالی، مهم نبودن موضوع جرم علت عمده‌ی عدم شکایت از مجرمین می‌باشد^۱ (نورپور و دیگران، ۱۴۰۰، ص. ۲۰۶). در این رابطه طی پژوهشی که در سال ۱۹۸۳ در آمریکا صورت گرفت، مشخص شد که در صورت حصول خسارت کم در جرم سرقت، صرفاً ۳۷ درصد جرایم گزارش شده‌اند، در حالی که با افزایش میزان خسارت، میزان گزارش جرایم به ۶۸ درصد افزایش یافته است (Harlow, ۱۹۸۵, p. ۵). این گونه بی‌توجهی بزه‌دیده‌گان، ضمن افزایش ارتکاب این جرایم، منجر به سرکشی مرتکبین جرایم مالی خُرد و تجاوز مکررشان به حقوق و نظم جامعه گشته^۲ و لازم است در پی الگوی دادرسی مناسب اقتصادی جهت متقاعد نمودن قربانیان جرایم مالی خُرد برای اقامه‌ی دعوا بود. همچنین با توجه به ضعف حالت خطرناک در مرتکبین جرایم مالی خُرد و گسترده نبودن اثر مخرب این جرایم و با مدنظر قرار دادن معایب دستگاه عدالت کیفری سنتی، ضرورت جایگزینی الگوی دیگری جهت مواخذه مرتکبین این جرایم حس می‌شود. البته

۱. بنا به این پژوهش، علاوه بر مهم نبودن موضوع جرم، فاکتورهای دیگری چون رابطه خویشاوندی، خجالت و... در عدم شکایت از مرتکب موثر است.

۲. نظریه‌ی «پنجره‌های شکسته» (theory windows broken) توجیه‌کننده‌ی این مسئله است. به موجب این نظریه غافل ماندن از جرایم خرد، زمینه را برای وقوع جرایم بزرگ فراهم می‌کند (آقای‌نیا و جوانمرد، ۱۳۹۰، ص ۱۶).

ضرورت مطالعه‌ی این مبانی، برای کشورهایی چون ایران بوده که در آن میزان و ارزش اقتصادی جرایم مالی تأثیری در مسئولیت کیفری مرتکب نداشته؛ وگرنه همانطور که گفته شد در بعضی کشورها مرتکبین برخی جرایم مالی خرد قابل تعقیب نیستند؛ چنانکه در انگلستان، با کم بودن مبلغ رشوه، ارتشاء محقق نمی‌شود (P, ۲۰۰۸, Britain, ۵).

با توجه به هدف نگارش این مقاله که مطالعه‌ی مبانی استمداد از ابزار عدالت ترمیمی در مواجهه با جرایم مالی خرد و پیشنهاد میانجی‌گری جهت رسیدگی به این گونه جرایم در نظام حقوقی ایران می‌باشد، ابتدائاً به تبیین گونه‌های جرایم مالی خرد (مطلق و نسبی) پرداخته و پس از آن در قسمت دوم مقاله، تفضیلاً مبانی استمداد از نهادهای عدالت ترمیمی در پاسخ به ارتکاب این جرایم را مورد مطالعه قرار خواهیم داد. نهایتاً در قسمت سوم مقاله از کاربست اشکال میانجی‌گری و ضوابط آن به عنوان یک نهاد ترمیمی در جهت پاسخ به ارتکاب جرایم مالی خرد صحبت خواهیم کرد که قابلیت جایگزینی نهادهای عدالت سنتی و کیفری را دارند. این اتفاقی است که در ادبیات جرم‌شناسی برخی اندیشمندان، به عملیات کیفی‌سازی معروف شده است (فتیلی و دیگران، ۱۴۰۰، صص ۲۹۱-۲۹۲).

۱- معیارهای رویکرد مطلق و نسبی جهت شناسایی جرایم مالی خرد

منظور از جرایم مالی تصرف در اموال دیگری است به منظور نقض

۱. چنانکه در یک پرونده قدیمی، قاضی پرونده صراحتاً اعلام داشت که وی سوگند خورده که از طرفین دعوی هدیه‌ای قبول نکند، مگر آنکه خوردنی و یا نوشیدنی و یا بهای کم باشد (P, ۲۰۱۱, other and Nicholls, ۲۱). رشاء و ارتشاء از جمله جرایم مالی بوده که مال در آنها نقش وسیله‌ی جرم را بازی می‌کند؛ لکن با توجه به آثار سوء آنها نسبت به سلامت نظام اداری، از جمله جرایم علیه آسایش عمومی شناخته میشود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۹، ص ۲۵).

حقوق مالکانه‌ی ایشان^۱ (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۹، ص ۲۱). این جرایم همچون کلاهبرداری و سرقت ممکن است تعرض به دارایی اشخاص خصوصی باشد و یا تعرض به منافع عمومی دولت نظیر اختلاس. در وجه تمایز این نوع جرم از جرایم اقتصادی^۲، اشاره به غیر قابل گذشت بودن جرایم اخیر و قابل گذشت بودن برخی جرایم مالی شده که بنا به دیدگاه نویسنده، همین موضوع باعث منقسم شدن آن به دو قسم جرایم مالی خُرد و کلان می‌شود. در واقع از جمله مشخصه‌های جرایم قابل گذشت، سبک و خُرد بودن آنها بوده (چوپانی‌مرسی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۹) و با ملاحظه‌ی این فاکتور می‌بایست گفت منظور از جرایم مالی خُرد، جرایم مالی قابل گذشت می‌باشد (رستمی و برزگر، ۱۴۰۱، ص ۸۲) و جرایم مالی کلان، اعمال مجرمانه‌ی مالی است که با توجه به آثار گسترده و مخرب آن غیر قابل گذشت به حساب می‌آید. البته با توجه به تعریف دکترین و قانونگذاران نظام‌های حقوقی از جرم خُرد بر حَسَب مجازات اندک^۳، به نظر می‌بایست علاوه بر فاکتور قابل گذشت بودن، عامل سبک بودن مجازات‌ها را نیز در تبیین جرایم مالی خُرد لحاظ کرد. از آنجا که رعایت اصل تناسب جرم و مجازات، ایجاب به سیاست افتراقی در قبال دو گونه جرایم سبک و سنگین کرده، قانونگذار با توجه به کم اهمیت بودن جرایم تعزیری مستوجب مجازات‌های درجات ۶، ۷ و ۸، در مصاف با آنها نوعی سیاست متفاوت و مخفف در پیش گرفته، به گونه‌ای که بیشتر سازوکارهای ارفاقی ناظر به

۱. در جرایمی چون تخریب، ضربه خود مال وارد شده و نه حقوق مالکانه و لذا جرم مالی محسوب نمی‌شود.

2. Economic offences

جرایم اقتصادی عبارتند از جرایمی که علیه اقتصاد کشور ارتکاب یافته یا در عمل موجب اختلال در نظام اقتصادی کشور می‌شوند.

۳. به طور مثال از نگاه برخی، جرایم زیر یک سال حبس و یا دارای جزای نقدی اندک جرایم خُرد هستند (نوروزی، ۱۳۸۴، ص ۲۵۸). همچنین به موجب قوانین فدرال آمریکا جرم خُرد (offence petty) جرمی است که مجازات آن بیش از شش ماه حبس یا بیش از پنج هزار دلار نباشد (S.U. Attorney's Office of District Eastern, Wisconsin, ۱۹۹۷، p. ۱۸).

این سه درجه می‌باشد. فقدان مجازات برای شروع به ارتکاب این جرایم، عدم احتساب این جرایم به عنوان سابقه محکومیت موثر، امکان تعویق صدور حکم در مورد این جرایم، امکان اسقاط مجازات جرایم مذکور با توبه‌ی مجرم و نیز عدم شمول مقررات تکرار جرم در این جرایم و... نشان دهنده راهبرد ارفاقی و پرهیز از کیفر در برابر این دسته از جرایم است. بدین ترتیب از منظر رویکرد مطلق، جرایم مالی خُرد جرایمی هستند که اولاً قابل گذشت بوده و ثانیاً مستوجب مجازاتهای تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی باشند.

در تبیین فاکتورهای مذکور باید گفت که علاوه بر جرایم مالی چون صدور چک بلامحل که به طور خاص و مجزا قابل گذشت شناخته شده (مطابق مواد ۹، ۱۱ و ۱۲ اصلاحی قانون صدور چک)، قانونگذار در ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری (ماده‌ی ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی) به تفکیک، قابل گذشت بودن هر جرم مالی را مشخص و منوط به فزونی نیافتن مبلغ موضوع آنها از یک حد نصاب کرده است. در واقع قانونگذار با تعیین حدنصاب مذکور، مبلغ کم موضوع جرم را عامل کم اهمیت شدن و در نتیجه قابل گذشت شناخته شدن آنها معرفی کرده است. به موجب این مقرره، در جرایم انتقال مال غیر موضوع ماده‌ی (۱) قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۸/۱/۵ و کلاهبرداری موضوع ماده‌ی (۱) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۶/۱۵ اگر مبلغ آنها تا حد نصاب ۱۰۰ میلیون تومان باشند، قابل گذشت

۱. به موجب این مقرره: «کسی که مال غیر را با علم به اینکه مال غیر است به نحوی از انحاء عیناً یا منفعتاً بدون مجوز قانونی به دیگری منتقل کند کلاهبرداری محسوب و مطابق ماده ۲۳۸ قانون عمومی محکوم می‌شود. و همچنین است انتقال‌گیرنده که در حین معامله عالم به عدم مالکیت انتقال دهنده باشد».

۲. به موجب این مقرره: «هرکس از راه حیل و تقلب مردم را به وجود شرکتها یا تجارتخانه‌های یا کارخانه‌ها یا موسسات موهوم یا به داشتن اموال و اختیارات واهی فریب دهد یا به امور غیرواقعه امیدوار نماید یا از حوادث و پیش‌آمدهای غیرواقعه بترساند و یا اسم و یا عنوان مجعول اختیار کند و به یکی از وسایل مذکور و یا وسایل تقلبی دیگر وجوه و یا اموال یا اسناد یا حوالجات یا قبوض یا مفاد حساب و امثال آنها تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد کلاهبردار

بوده و قانوناً خُرد تلقی می‌شوند. همچنین با عنایت به ماده‌ی فوق‌الذکر، در جرایم سرقت موضوع مواد ۶۵۶۱، ۶۵۷۲، ۶۶۱۳ و ۶۶۵۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، چنانچه ارزش مال مسروقه ۲۰۰ میلیون ریال و کمتر بوده و سارق فاقد سابقه مؤثر کیفری باشد، قابل گذشت محسوب می‌شود.^۵ البته در این مقرر، قانونگذار نفس ارتکاب برخی جرایم مالی همچون خیانت در امانت، و کلیه جرایم در حکم کلاهبرداری (غیر از انتقال مال غیر که تکلیف آن مشخص گردید) و جرایم دارای مجازات کلاهبرداری و نهایتاً جرایمی که طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌گردند^۶ را به طور مطلق و فارغ از مبلغ آن کم اهمیت

محسوب و علاوه بر رد اصل مال به صاحبش، به حبس از یک تا ۷ سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می‌شود...».

۱. به موجب این مقرر: «در صورتی که سرقت جامع شرایط حد نباشد و مقرون به یکی از شرایط زیر باشد مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌شود: الف- سرقت در جایی که محل سکنی یا مهیا برای سکنی یا در توابع آن یا در محل‌های عمومی از قبیل مسجد و حمام و غیر اینها واقع شده باشد؛ ب- سرقت در جایی واقع شده باشد که به واسطه درخت و یا بوته یا پرچین یا نرده محرز بوده و سارق حرز را شکسته باشد؛ پ- در صورتی که سرقت در شب واقع شده باشد؛ ت- سارقین دو نفر یا بیشتر باشند؛ ث- سارق مستخدم بوده و مال مخدوم خود را دزدیده یا مال دیگری را در منزل مخدوم خود یا منزل دیگری که به اتفاق مخدوم به آن جا رفته یا شاگرد یا کارگر بوده و یا در محلی که معمولاً محل کار وی بوده از قبیل خانه، دکان، کارگاه، کارخانه و انبار سرقت نموده باشد؛ ج- هرگاه اداره کنندگان هتل و مسافرخانه و کاروانسرا و کاروان و بطور کلی کسانی که به اقتضای شغل اموالی در دسترس آنان است تمام یا قسمتی از آن را مورد دستبرد قرار دهند».

۲. به موجب این مقرر: «هرکس مرتکب ربودن مال دیگری از طریق کیف‌زنی، جیب‌بری و امثال آن شود به حبس از یک تا پنج سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد».

۳. به موجب این مقرر: «در سایر موارد که سرقت مقرون به شرایط مذکور در مواد فوق نباشد مجازات مرتکب، حبس از سه ماه و یک روز تا دو سال و تا (۷۴) ضربه شلاق خواهد بود» (سرقت ساده).

۴. به موجب این مقرر: «هرکس مال دیگری را بر بایاد و عمل او مشمول عنوان سرقت نباشد به حبس از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد و اگر در نتیجه این کار صدمه‌ای به مجنی علیه وارد شده باشد به مجازات آن نیز محکوم خواهد شد».

۵. همانطور که مشخص است جهت قابل گذشت شدن جرایم سرقت، قانونگذار شرط اضافی فقدان سابقه کیفری را به طور خاص پیش‌بینی کرده است.

۶. برای مطالعه‌ی جرایم در حکم کلاهبرداری، جرایم دارای مجازات کلاهبرداری و نهایتاً جرایمی که طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌گردند رک: (میرمحمد صادقی، حسین، جرایم علیه اموال و مالکیت، ج ۲، چاپ ۵۷، پاییز ۱۳۹۹، صص. ۱۳۴-۱۶۵).

و قابل گذشت شناخته است. مصادیق مجازاتهای تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸ قانون مجازات اسلامی نیز عبارتند از: جرایم مالی مستوجب مجازاتهای حبس تا دو سال، جزای نقدی تا هشت میلیون تومان، شلاق تا ۷۴ ضربه، محرومیت از حقوق اجتماعی تا ۵ سال، انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها، ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی و دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی تا مدت ۵ سال و در نهایت ممنوعیت اصدار برخی از اسناد تجاری برای ایشان در مدت مشابه^۱. با ملاحظه‌ی این دو فاکتور می‌بایست گفت جرایم مالی چون کلاهبرداری مطلقاً خُرد نبوده، هر چند که قابل گذشت باشد؛ چرا که مجازات آن در حداقل مقدار درجه ۵ می‌باشد. این موضوع شامل سرقت ماده‌ی ۶۵۷ ق.م.ا نیز می‌شود^۲.

گفتمان بالا در رابطه با رویکرد مطلق در احراز جرایم مالی خُرد بود. اما در رابطه با فاکتورهای تشخیص جرایم مالی خُرد نسبی باید گفت که این رویکرد بسته به نگاه قربانی جرم می‌باشد. در واقع هر پرونده‌ی مالی بنا به نگاه بزه‌دیده به مبلغ موضوع جرم دارای ارزش اقتصادی بوده و یا ممکن است مهم نباشد. بدین ترتیب برخلاف رویکرد مطلق که در تشخیص جرایم مالی خُرد ضابطه‌مند عمل نموده و حد نصاب مالی در آن دارای ثبات است، در رویکرد نسبی این حد نصاب متغیر است و بسته به نگاه بزه‌دیده‌ی پرونده و تمکن مالی او می‌باشد؛ چنانکه عده‌ای با توجه به کم بودن مبلغ موضوع جرم و محاسبه‌ی هزینه و فایده شخصی خود، تمایلی به اقامه‌ی شکایت کیفری نخواهد داشت. البته در اینجا می‌توان این ادعا را کرد که موضوع برخی جرایم مالی و یا مبالغ آن از نگاه عموم خُرد باشد، چنانکه سرقت خودکاری ساده، توجیه اقتصادی شکایت برای بزه‌دیده‌ای را ندارد مگر در موارد استثنایی؛ مانند سرقت مکرر این اقسام و یا آنکه موضوع

۱. با توجه به ذکر مجازاتهای متعلق به شخص حقوقی باید گفت که ممکن است جرم مالی به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی توسط نماینده قانونی وی صورت گیرد و در این حالت در صورت وجود شرایط می‌توان میانجیگری را بین شخص حقوقی به عنوان مرتکب و بزه‌دیده برقرار کرد.

۲. این جرم در حالت قابل گذشت بودن نیز مشمول حبس تعزیری درجه ۵ می‌باشد.

جرم دارای ارزش معنوی باشد. بر پایه همین مبنا و عدم حساسیت جامعه نسبت به این اموال بوده که در صورت تعقیب و برخورد کیفری نسبت به مرتکبین این گونه جرایم حساسیت فراوانی در جامعه بوجود می‌آید^۱ چنانکه پس از صدور حکم به ده ماه حبس تعزیری و چهل ضربه شلاق برای فردی که اقدام به سرقت سه بسته بادام هندی کرده بود، انتقاداتی به دستگاه قضاء وارد شد؛ تا آنجا که مرکز رسانه‌ای این قوه در پی اتفاق مذکور و حواشی آن تصریح نمود: «رییس کل دادگستری استان قم به محض اطلاع از صدور حکم ۱۰ ماه حبس تعزیری و چهل ضربه شلاق برای فردی که بادام هندی را از مغازه‌ای به سرقت برده است، دستور تشکیل هیات ویژه‌ای را داده تا مسئله را از جنبه های مختلف بررسی نمایند»^۲. در پرونده‌ی مشابه دیگری، قاضی فردی را که اقدام به سرقت چیپس و پفک کرده بود، به ممنوعیت خرید کالا بدون داشتن همراه محکوم نمود^۳ که به نظر این مسئله بی‌تأثیر در صدور چنین حکمی نبوده است. در نقطه‌ی مقابل ممکن است موضوع جرم مالی در نگاه غالب افراد توجیه اقتصادی شکایت را داشته و تنها عده‌ی معدودی با محاسبه هزینه- فایده شخصی خود، تمایلی به اقامه و پیگیری شکایت نداشته باشند. به طور مثال سرقت یک کیسه برنج اعلاء از یک تاجر بزرگ خواروبار، شاید توجیه شکایت کیفری را نداشته باشد؛ ولی این توجیه برای غالب کاسبان جزء موجود است. مطلوب است در صورت اطلاع مدعی‌العموم از ارتکاب اینگونه جرایم به جهت بازدارندگی و حفظ حقوق عمومی، اقدامات تأمینی جدی‌تری در مصاف با این جرایم صورت گیرد، هر چند بزه‌دیدگی پرونده آن را قابل اغماض در نظر گرفته و شکایت

۱. در واقع مجازات، واکنشی است ناخودآگاه جهت حفظ ارزش‌های اجتماع که کمیت، کیفیت و شدت آن بسته به اهمیت ارزشی دارد که مورد تهاجم قرار گرفته است (جوان جعفری و ساداتی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۸). در صورتی که کمیت، کیفیت و شدت مجازات، متناسب با اهمیت ارزش نقض شده نبوده و بیشتر از آن محدوده باشد، جامعه را با تنش اجتماعی مواجهه مینماید.

۲. خبرگزاری ایسنا، تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۸/۳، قابل دسترسی در: <http://ir.tabnak.ir/۰۰۴۷۱D>.

۳. پایگاه خبری الف، تاریخ انتشار: ۱۳۹۶/۳/۱۸، کد خبر: (۴۸۰۴۸۱). قابل بازیابی در: <http://ir.alef.oid//:http>

نکند^۱. این موضوعی است که رعایت آن با توجه به تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ضروری به نظر می‌رسد؛ چرا که به موجب این قانون، گذشت شاکی باعث ختم این نوع از پرونده‌های کیفری و تجری مرتکبین می‌گردد.

در تبیین اوصاف مشترک جرایم مالی خرد مطلق و نسبی باید گفت که اولاً با توجه به فلسفه‌ی ذاتی جرم‌انگاری‌های این اعمال مجرمانه که همان حمایت از حقوق مالکانه‌ی اشخاص بوده، جرم مالی بدون بزه دیده قابل تصور نمی‌باشد. درواقع اشخاص دارای حق مالکانه که حسب مورد شخص حقیقی و یا حقوقی می‌باشند، از ارتکاب این جرایم دچار خسارت می‌شوند. با توجه به این معیار، انتقادی که به قانونگذار وارد می‌شود این است که چرا در ماده ۱۰۴ اصلاحی قانون مجازات اسلامی، قابل گذشت شدن جرائمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شوند، منوط به داشتن بزه دیده دانسته شده، در حالیکه از ملزومات این جرایم داشتن بزه دیده است. همچنین ارتکاب این جرایم در جامعه دارای شیوع گسترده بوده (فتیلی و دیگران، ۱۴۰۰، ص. ۲۹۲) که باعث ایجاد هزینه‌های مالی فراوان جهت انجام واکنش کیفری می‌گردد؛ چنانکه گفته شده بنا به تخمین‌ها اگر این جنس جرایم چون دزدی از مغازه‌ها صورت نمی‌گرفت، با صرف منابع هزینه نشده، اجناس درون مغازه‌ها چیزی تا حد پنج درصد ارزانتر به مصرف‌کننده عرضه می‌گردید (Clarkson, ۲۰۰۵, p ۲۲۸). به نظر علت سواکردن جرایم مالی خرد از کلان و در نظر گرفتن سیاست افتراقی و ملایم در مصاف با این جرایم، شیوع گسترده‌ی ارتکاب این جرایم و در نتیجه فراوانی تعداد محکومین و افزایش هزینه‌های کیفری ایشان بوده، طوری که قانونگذار ناچار به خصوصی کردن این جرایم و کاستن جنبه‌ی عمومی آن بوده است (فتیلی و دیگران، ۱۴۰۰، صص ۲۹۱-۲۹۲). کارایی عدالت کیفری که شیوه‌ی سنتی رسیدگی به جرایم بوده، در دهه‌های اخیر

۱. اطلاع مدعی العموم در اینجا ممکن است با انتشار لحظه ارتکاب جرم در رسانه‌های عمومی و یا خصوصی صورت بگیرد.

با ایرادات متعددی مواجه شده است. تأمل به این ایرادات درمضاف با جرایم مالی خُرد که چندان خسارت بار نبوده، باعث توجه هر چه بیشتر مسئولان به نهادهای ترمیمی شده است. درواقع گرچه اصل بر صلاحیت و مداخله دستگاه عدالت کیفری در مواجهه با ارتکاب جرایم است (اصل ۱۵۹ قانون اساسی^۱)، لکن ضرورت کمینه‌گرایی کیفری^۲ مستلزم تمایز جرایم کم اهمیتی چون جرایم مالی خُرد از سایر جرایم و اتخاذ تدابیر و روشهای متفاوت جهت رسیدگی به این جرایم می‌باشد. در ادامه به مطالعه‌ی مبانی این افتراق و ضرورت استمداد از نهادهای جایگزین کیفری درمضاف با جرایم مالی خرد می‌پردازیم.

۲- مبانی استمداد از نهادهای عدالت ترمیمی در واکنش به جرایم مالی خُرد

علی‌رغم اصل بودن رسیدگی عدالت کلاسیک، ایرادات و معایب رسیدگی این نهاد سنتی باعث توجه اندشمندان و قانونگذار به نهادهای جایگزین کیفری شده است. البته درکم و کیف رسیدگی این نهادهای جایگزین بین نظریه‌های طرفدار عدالت ترمیمی اختلاف افتاده؛ چنانکه از نظر مکاتبی چون ناب‌خواهان^۳، صلاحیت این نوع از عدالت محدود به جرایم سبک و یا سنگین نبوده و برنامه‌های نهاد مذکور به موازات عدالت کیفری می‌بایست توسعه یافته، تا کامل جایگزین آن شوند. در نقطه‌ی مقابل مکاتبی چون بیشینه‌خواهان^۴ معتقدند که عدالت ترمیمی در بلند مدت فقط زمینه رسیدگی به جرایم غیرمهم را فراهم می‌کنند و جرایم بزرگ‌کماکان در صلاحیت عدالت سنتی خواهند بود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷، صص ۲۰۳-۲۰۵). در نظام حقوقی ما استفاده از نهادهای

۱. به موجب این مقرر: «مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است. تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است».

2. Criminal Minimalism

اصل کمینه‌گرایی کیفری، از بنیادی‌ترین اصول در حوزه‌ی حقوق کیفری است که مطابق آن، باید تا حد ممکن استفاده از حقوق کیفری در مقابله با ناهنجاری‌ها کاهش یابد (میرکمالی و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۶۱).

3. Minimalist approach

4. Maximalist approach

عدالت ترمیمی در مصاف با جرایم مهم اعم از مالی و غیرمالی چندان موفقیت آمیز نبوده است؛ چنانکه معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری خراسان رضوی صراحتاً اعلام داشته که عدالت کیفری برای جرایم مهم و سنگین جواب داده و برای جرایم کم اهمیت و سبک می بایست به سراغ عدالت ترمیمی رفت.^۱ این موضوع در کشورهای چون آمریکا و کانادا که از پیشگامان عدالت ترمیمی هستند نیز وجود داشته و در رابطه با علل کاربردی نبودن این نوع از عدالت در جرایم مهم گفته شده که علاوه بر افزایش بزهکاری در جامعه، در جرایمی چون جرایم سازمان یافته، جاسوسی، اقدامات تروریستی و قحاق زنان و کودکان فرآیندهای عدالت ترمیمی نمی تواند پاسخگوی نیازهای جامعه باشد (اسدی و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۲۳۴). بدین ترتیب هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ عملی، تاکید زیادی بر جایگزینی عدالت ترمیمی در مصاف با جرایم کم اهمیت شده است. جرایم مالی خُرد از جمله جرایم کم اهمیت و سبک محسوب می شود و در توجیه استمداد از نهادهای جایگزین کیفری برای رسیدگی به آنها می توان یک سری مبانی ذکر کرد.

رسیدگی سنتی دارای عیب برچسب زندگی^۲ به متهمین پرونده می باشد (رستمی تبریزی و محتشمی، ۱۳۹۲، ص. ۶۵). این ایرادی بود که نظریه ی واکنش اجتماعی^۳ به دستگاه عدالت کیفری وارد نموده و معتقد بود بزهکار گشگری است که واکنش نهادهای دولتی او را تحت الشعاع قرار داده و برای پی بردن به علل جرم می بایست تعامل بین فرد و مقام های رسمی کیفری را مورد مطالعه قرار دهیم. بدین ترتیب از لوازم رسیدگی کیفری،

۱. دبیرخانه شورای ارتقای آگاهی های عمومی و اطلاع رسانی، معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم، قابل بازایی در:

<https://scpd.eadl.ir/news/ID36195/36195/>

2. Labelling

3. Social reaction theory

نظریه واکنش اجتماعی از نظریه های سرآمد در علت شناسی جرم بوده و به بررسی نقش نظام عدالت کیفری و نهادهای متولی مقابله با جرم و کنترل آن در تکرار جرم از طریق برچسب زنی و نهایتاً تکوین انحراف ثانویه و پایداری بزهکاری پرداخته است.

ایجاد انگ به متهمین درگیر در فرایند عدالت کیفری بوده و پیشنهاد شده حتی الامکان از قضایی و دادگاهی کردن افراد مجرم پرهیز شود (نجفی ابرند آبادی، ۸۴-۱۳۸۳، ص ۱۰۲). این موضوع در جرایم کم اهمیتی چون جرایم مالی خُرد که بیشتر واجد جنبه‌ی خصوصی‌ست و مرتکبین آن دارای حالت خطرناک چندانی نیستند، از اهمیت فزون‌تری برخوردار بوده و لازم است ابتدائاً از نهادهای جایگزین عدالت سنتی جهت رسیدگی استفاده شود (درگاهی خو، ۱۳۹۷، ص ۳۵). در واقع با گستره‌ی مدنی سازی حقوق کیفری که با توجه به ضعف آثار برخی جرایم مالی و به منظور جبران خسارت بزه‌دیده در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری صورت گرفت، مطلوب است به منظور پرهیز از برچسب‌زنی که باعث انحراف‌های بعدی می‌گردد، اولویت با ترمیمی‌گرایی و استفاده از ابزار آن جهت حل و فصل موضوع باشد.

همچنین با افزایش روزافزون جرایم، مسئله‌ی گسترده شدن حجم بالای پرونده‌های کیفری متوجه دستگاه عدالت کیفری شده است. گرچه موضوع بسیاری از این پرونده‌ها، جرایم مالی چون سرقت مخصوصاً از نوع خُرد آن می‌باشد،^۱ لکن همین مسئله مشغولیت‌های فراوانی برای مردم و نظام عدالت بوجود آورده، چنانکه امنیت روانی جامعه را تهدید نموده و جامعه را با مخاطراتی چون افزایش اطاله‌ی دادرسی و ضعف در ارائه خدمات قضایی مطلوب مواجه کرده است. بدین ترتیب مطلوب به نظر می‌رسد در مصاف با جرایم این چنینی، سازوکارهای استفاده از نهادهای جایگزین عدالت سنتی فراهم گردیده (حیدرشناس، ۱۳۹۲، ص ۴۱ و ۴۲) تا دستگاه عدالت کیفری بتواند بنا به اقتضای اصل سودمندی، منابع خود را صرف پیشگیری و مقابله با جرایم سنگین و مهم‌تر کند (Allard and other, ۲۰۰۹, p. ۴). این راهکار در نظام حقوقی ما موفقیت‌آمیز بوده، چنانکه با تشکیل شوراهای حل اختلاف که معمولاً صلاحیت رسیدگی به امور خُرد

۱. به طور مثال به ادعای یک مسئول، ۶۰ تا ۷۰ درصد پرونده های سرقت، مربوط به اموال کم ارزش است. (خبرگزاری ایسنا، تاریخ انتشار ۱۳۹۸/۵/۲، کد خبر: kerman-۶۱۸۳۵، قابل دسترسی در: xdx۲Wf/ir.Isna).

و غیر مهم را دارند، حجم ورودی پرونده‌ها به محاکم دادگستری به مقدار چشمگیری کاهش یافته، به طوری که مراجع اخیر توانسته‌اند انرژی خود را معطوف به رسیدگی جرایم مهم‌تر کنند (فرهادی و شمس، ۱۴۰۰، ص ۷۱). اینگونه رسیدگی فوری‌تری نیز به جرایم مالی خرد صورت می‌گیرد، چنانکه با رسیدگی از طریق نهادهای ترمیمی، ممکن است موضوع در جلسات بسیار کمی به نتیجه برسد.

علاوه بر این رعایت اصل تناسب بین جرم و مجازات ایجاب می‌کند که مقنن سیاستی افتراقی در قبال جرایم سبک و سنگین در پیش گیرد. در واقع در مصاف با جرایمی که قُبَح زیاد داشته و خطرناک هستند، سیاست کیفری می‌بایست جدی، سختگیرانه و برخوردار از قدرت بازدارندگی باشد؛ لکن در جرایمی که قبح چندانی نداشته و خطر شدیدی برای جامعه و افراد آن به شمار نمی‌آید، این سیاست می‌بایست مبتنی بر تسامح، ارفاق و پرهیز از تنبیه سخت باشد. یقیناً جرایم مالی خُرد در مقایسه با جرایم مالی کلان سبکتر بوده و از اهمیت کمتری برخوردار است؛ در نتیجه لازم است واکنشی منعطف‌تر در برخورد با این جرایم صورت گیرد. پیش‌بینی نهادهای عدالت ترمیمی چون میانجیگری جهت رسیدگی به جرایم مذکور از جمله‌ی این برخوردها است. بدین ترتیب پیش‌بینی نهادهای ترمیمی چون میانجیگری پاسخی به قضاوت‌های عقل و انصاف به این موضوع بوده که لازم است در مصاف با جرایم کم‌اهمیتی چون جرایم مالی خُرد واکنش منعطف‌تری صورت گیرد؛ چراکه هم ظرفیت جنایی^۱ مرتکبین این جرایم کم بوده و هم انجام این اعمال آسیب چندانی به نظم جامعه و حقوق افراد نمی‌زند و در نتیجه کمتر احساسات عمومی را برمی‌انگیزد.

در نهایت می‌بایست صحبت از کیفیت اقتصادی جرایم مالی خُرد کرد که به علت وافر نبودن ارزش مالی موضوع این جرایم، بزه‌دیدگان رغبت کمتری به پیگیری ماجرا از طریق نهادهای عدالت کیفری دارند. در این رابطه به گزارش روزنامه‌ی شهروند، متهمی

1. Criminal capacity

طی اعترافات خود، علت سرقت اقلام خُرَدی چون لامپ، دوربین مداربسته، چسب نواری، فلش مموری و... را عدم شکایت مالباخته‌گان اعلام کرده بود.^۱ در صورتیکه عدم پیگیری این قبیل سرقت‌ها ممکن است بزهکار را یاغی و باعث بی‌نظمی بیشتر شود؛ چنانکه بنا به نظریه "پنجره‌های شکسته"، فقدان "تسامح صفر"^۲ در قبال جرایم خُرَد، زمینه ارتکاب جرایم مهم‌تر (جعفری‌رسن، ۱۳۸۴، ص ۱۷۴) و تصور ایجاد حاشیه‌ی اَمَن برای این سارقین خواهد شد (پاک‌نهاد، ۱۳۹۹، صص ۲۷۳، ۲۷۲، ۲۷۱). این اتفاق مربوط به مرتکبین سالم بوده، در حالی که تبهکاران بیماری وجود داشته که تمایل بسیار برای دزدیدن وسایل کم ارزش دارند. درواقع افراد مبتلا به این اختلال به دنبال دزدیدن اشیا نه چندان ارزشمند مانند خودکار و نظیر آن هستند. این‌ها علایم مرضِ جنون دزدی و یا کلیتومینیا^۳ بوده (Walsh, ۲۰۲۱, p. ۴) که لازم است یک سری اقدامات تأمینی برای افراد دچار آن شود. با توجه به فقدان تشریفات و هزینه‌ی کم دادرسی‌های ترمیمی (فرهادی و شمس، ۱۴۰۱، ص ۳۴۸-۳۴۹)، صالح دانستن این مراجع جهت رسیدگی به جرایم مالی خُرَد و کم اهمیت، به نظر اقناع بیشتری برای بزه‌دیدگان جهت شکایت و پیگیری آن داشته باشد. اینگونه بزهکاران متوجه نظارت جامعه بر رفتارهای خود شده و باعث خود کنترلی در ایشان می‌گردد.

۳- میانجی‌گری، ابزار ترمیمی‌گرایی در مصاف با جرایم مالی خُرَد

در قسمت اول مقاله، طی یک تقسیم‌بندی ابتکاری، دو گونه‌ی جرایم مالی خُرَد مطالعه، و گفته شد که نوع اول، جرایمی است که با توجه به ارزش ناقابل موضوع جرم از نگاه بزه‌دیده، میل به اقامه‌ی دعوای کیفری از سوی او وجود ندارد. در رویکرد مطلق، جرایم مالی که مستوجب مجازات‌های تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸ بوده، با رعایت مبلغ نصاب در

۱. دوشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۱ - شماره ۲۵۲۷

2. Zero Tolerance

3. Kleptomania

ماده‌ی ۱۰۴ ق.م.ا و قابل گذشت بودن، خُرد می‌باشند. البته برخی جرایم مالی همچون خیانت در امانت به طور مطلق و فارغ از مقدار مبلغ آن خُرد و قابل گذشت در نظر گرفته شده‌اند که به نظر این موضوع خالی از انتقاد نیست. با توجه به جنس این نوع جرایم که از تزویر حاصل می‌شود، به ظاهر غالب مرتکبین این جرایم، افرادی باهوش و اصطلاحاً یقه‌سفید^۱ بوده و تُهی کردن این جرم از جنبه‌ی عمومی باعث افزایش فعالیت‌های مجرمانه‌ی این مجرمین خطرناک می‌گردد. با توجه به گستردگی حالت خطرناک این نوع از مجرمین، به نظر مطلوب بود دست‌کم مانند جرم کلاهبرداری سقف مالی مشخصی جهت قابل گذشت شدن این جرم پیش‌بینی می‌گردید. به هر طریق با توجه به ایرادات رسیدگی کیفری که در قسمت قبل ذکر گردید، مطلوب دانسته شد که عدالت ترمیمی دست‌کم در جرایم کم‌اهمیتی چون جرایم مالی خُرد به جایگزینی از عدالت سنتی به آنها رسیدگی کند.

عدالت ترمیمی فرایندی است که به موجب آن طرفین ذینفع به طریق جمعی در رابطه با نحوه‌ی برخورد با آثار و عواقب جرم و الزامات آن در آینده صحبت می‌کنند (نجفی‌ابرنادآبادی، ۱۳۸۷، صص ۲۱۰-۲۱۲). گرچه این اتفاق ممکن است به اشکال گوناگون در مراحل "پیش‌دادرسی"، "دادرسی" و "پس‌دادرسی" صورت پذیرد^۲، لکن آنچه در این پژوهش مورد بحث قرار می‌گیرد، مطالعه‌ی میانجی‌گری^۳ به عنوان یک ابزار ترمیمی متعلق به مرحله‌ی "پیش‌دادرسی" می‌باشد. میانجی‌گری پروسه‌ای بوده که به موجب آن شاکی و متهم با مدیریت فرد میانجی‌گر در بیرون از محیط دادگاه در رابطه با علل جرم، آثار و نتایج آن و نهایتاً راه‌های جبران خسارات به وجود آمده گفتگو می‌کنند تا نزاع ایجاد شده را به صلح بیانجامند (Motiwala, ۲۰۰۸, p. ۱۴۸). بدین ترتیب هدف از میانجی‌گری

1. White collar criminals

۲. برای اطلاعات بیشتر در این حوزه رک: (صبوحی، رحمان، ۱۳۹۴، عدالت ترمیمی در نظام کیفری موضوعه ایران، چاپ اول، انتشارات مجد).

3. Mediation

به عنوان یک نهاد ترمیمی، رفع تنازع و اجتناب از ورود دعوا به مرحله دادرسی می‌باشد.^۱ در ادامه با توجه به هر یک از گونه‌های جرم مالی خُرد نسبی و مطلق، ترتیباً کاربست سیستم‌های "میانجی‌گری کیفری جامعوی" و "میانجی‌گری کیفری جامعوی همراه با نظارت قضایی" مورد مطالعه قرار می‌گیرند.^۲

۱-۳- کاربست نهادهای "میانجی‌گری کیفری جامعوی" در جرایم مالی خُرد

نسبی

ژرمی بنتام معتقد بود که بزهکاران بالقوه، قبل از ارتکاب جرم فواید و هزینه‌های حاصل از ارتکاب آن را محاسبه کرده و در صورت به صرفه بودن مبادرت به ارتکاب آن می‌کنند^۳ (other and Hemmens, ۲۰۱۰, p. ۳۳۷). در جامعه‌ی امروز ایران، با توجه به نرخ تورم بالا و کاهش ارزش پول، شاهد رشد قیمت اجناس خُردی هستیم که در صورت موضوع جرم مالی قرار گرفتن، توجیه اقتصادی برای بزه‌دیده جهت شکایت و تعقیب مجرم معمولاً وجود ندارد. تشریفات قضایی و بروکراسی اداری دادگاه‌ها که معمولاً باعث زمانبر شدن فرایند رسیدگی شده نیز مزید بر علت است؛ چنانکه افراد بزه‌دیده تمایلی به گذراندن وقت خود در راهروهای دادگاه‌ها و کلانتری‌ها جهت بازپس‌گیری این اموال خُرد ندارند. این موضوعات باعث شده که بزهکاران با محاسبه سود و زیان نهایی خود و با تصور اینکه بزه‌دیده پیگیری قضایی نخواهد کرد، تمایل فراوانی به بردن این اموال خُرد از طریق جرایم مالی داشته باشند؛ چنانکه همانطور قبلاً گفته شد، سرقت‌های خُرد در صدر بیشترین سرقت‌ها در ایران هستند. گرچه این ادعای بنتام متعلق به بزهکاران

۱. در قانون آیین دادرسی کیفری، قانونگذار «میانجی‌گری» را از وظایف و اختیارات دادستان در حوزه‌ی کشف جرم و تحقیقات مقدماتی (قبل از دادرسی) برشمارده است (فصل سوم از بخش دوم قانون مذکور).

۲. در برخی منابع این نهادها به ترتیب، به «میانجی‌گری عرفی» و «میانجی‌گری ارادی» نامیده شده‌اند (ساداتی و دیگران، ۱۳۹۹، صص ۸ و ۹).

۳. اشاره به اصل «حسابگری مجرمانه»

خردمند بوده، لکن افراد مبتلا به بیماری "جنون دزدی" که بیشتر مرتکب سرقت‌های خُرد می‌شوند نیز به همین دلایل از سوی بزه‌دیده تحت پیگرد قرار نمی‌گیرند. از آنجاکه ماهیت پنهانی این اختلال در افراد بیمار باعث بروز خسارت فراوان به نظام اقتصادی می‌گردد^۱، لازم است به مثابه مورد اول جهت حفظ حقوق قربانی و جامعه یک نظام دادرسی افتراقی برای رسیدگی به این‌گونه جرایمی مالی پیش‌بینی گردد.

با توجه به اینکه مُراد از دادرسی افتراقی در حوزه‌ی خاص، پیش‌بینی قواعد و مقررات دادرسی کیفری متمایز از قواعد و مقررات عام دادرسی می‌باشد (سلطانی‌فرد و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۱۴۷)، جهت رسیدگی به این‌گونه از جرایم مالی خُرد می‌بایست از مدل رسیدگی استفاده کرد که معایب مُنصرف‌کننده‌ی بزه‌دیدگان از اقامه‌ی شکایت را نداشته باشد. مطلوب است در اینجا از نهادهای متعلق به نظام "میانجی‌گری کیفری جامعه‌ی"، که به ابتکار جامعه‌ی مدنی و با الهام‌گیری از الگوهای محلی و ملی، جهت حل و فصل پیامدهای ارتکاب جرم به اجرا گذاشته می‌شود (حسینی و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۸۹)، استفاده نمود. در واقع در این شکل از میانجی‌گری، به واسطه عدم مداخله دولت و قوه قضائیه در موضوع جرم و مشارکت افراد عادی در حل آن، تشریفات قضایی و بروکراسی اداری خاصی وجود نداشته و در نتیجه هزینه‌ی اجرای آن حداقلی است؛ لذا مراجعه به این مدل از رسیدگی برای شاکی فایده‌مند به نظر می‌رسد. از آنجاکه منظور از میانجی‌گری فراهم کردن بسترگفتگو جهت جبرانِ ضرر شاکی و اصلاح برهکار است (غلامی‌دون، ۱۳۹۸، ص ۴۵)؛ در صورت رفع اختلافات، پشیمانی بزهکار و تمایل او جهت جبران خسارات، بزه‌دیده حق تعقیب و پیگیریِ ماجرا را نداشته و در صورت عدم مصالحه و یا عدم یافت نمودن مرتکب، این حق برای او باقی خواهند ماند (موسوی، ۱۴۰۰، صص ۳۴۷-۳۴۸).

به لحاظ نظری در جامعه‌ی ایران از دیرباز میانجی‌گری جامعه‌ی به اشکال

۱. چنانکه تخمین زده می‌شود ضرر اقتصادی این اتفاق (کلیتومانیا) به اقتصاد آمریکا سالانه حدود ۵۰۰ میلیون دلار است. رک:

<https://hirbodclinic.com/what-you-could-know-about-kleptomania/>

گوناگون عرفی چون آیین پتر^۱، آیین خون صلح^۲ و ... وجود داشته (ساداتی و دیگران، ۱۳۹۹، صص ۸-۹) و این موضوع بیانگر وجود پتانسیل‌های لازم در جامعه جهت توسل به چنین ابتکاری در مصاف با جرایم کم‌اهمیتی چون جرایم مالی خُرد است. از حیث قانونی نیز، مقنن در ماده‌ی ۶ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵ صراحتاً ابراز داشته بود که: «طرفین دعوا در صورت توافق می‌توانند برای احقاق حق و فصل خصومت، به قاضی تحکیم مراجعه نمایند». از آنجاکه در فقه اسلامی، میانجی‌گری همان قاضی تحکیم بوده و دامنه‌ی اعتبار احکام ایشان مسائل کیفری را نیز در برمی‌گیرد (محمدیکی و همکاران، ۱۳۹۹، صص ۴۷ و ۵۲-۵۳) با برقراری این مدل از عدالت ترمیمی در اماکنی چون مساجد محل و مشارکت دادن نمایندگان جامعه‌ی مدنی در جهت حل مسئله، می‌توان بزه‌دیدگان جرایم چینی را متقاعد نمود که برای اقامه‌ی دعوی علیه مرتکب، به نهادهای مذکور مراجعه کنند. این موضوعی است که اخیراً مورد توجه مسئولان قضایی کشور قرار گرفته، چنانکه به گفته‌ی رئیس مرکز توسعه حل اختلاف قوه قضائیه: امامان جماعات و محلات باید در حوزه میانجی‌گری ورود کنند تا به طریق ریش سفیدی مشکلات قضایی محلات را حل کنند^۳. همچنین رئیس کل دادگستری استان اصفهان طی بحثی، با اشاره به انعقاد تفاهم نامه با تعدادی از متولیان مساجد اصفهان جهت رسیدگی و حل اختلاف دعاوی افراد با حضور معتمدین و افراد صاحب نفوذ، به اهمیت میانجی‌گری مساجد برای حل پرونده‌های قضایی تاکید کرده‌اند^۴. علاوه

۱. به موجب این آیین، بزرگان بلوچ پس از قتل در خانه قاتل جمع شده و همراه وی به خانه مقتول می‌روند و از او می‌خواهند که یا با اخذ دیه قاتل را امان داده و یا قاتل را قصاص نمایند.

۲. این آیین بختیاری معمولاً در موارد وقوع قتل عمدی صورت گرفته، چنانکه ریش سفیدان قبیله‌ی قاتل جهت ممانعت از درگیری‌های خشونت‌آمیز بعدی، تلاش کرده با خانواده مقتول مذاکره کنند تا موضوع ختم به صلح گردد.

۳. خبرگزاری شبستان، تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۲/۴، شناسه خبر: ۱۱۶۹۰۷۱، قابل بازیابی در: <http://shabestan.ir/News/detail/ir-۱۱۶۹۰۷۱>

۴. خبرگزاری شبستان، تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۶/۶، شناسه خبر: ۱۰۸۸۶۸۸، قابل بازیابی در: shabestan.ir/News/detail/ir-۱۰۸۸۶۸۸

بر این از نظر برخی، قسمت نخست ماده‌ی ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری معطوف به همین قسم از میانجی‌گری است (شیعه‌علی و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۳۰۱). این قسمت از مقررۀ اذعان می‌دارد: «در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، مقام قضائی می‌تواند به درخواست متهم و موافقت بزه‌دیده یا مدعی خصوصی و با اخذ تأمین متناسب، حداکثر دو ماه مهلت به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند».

در تبیین ضوابط اجرایی میانجی‌گری جامعوی باید گفت که علی‌رغم سکوت قانونگذار در رابطه با سازوکارهای انجام این نهاد، منطقی به نظر می‌رسد که آغاز فرآیند این نوع از میانجی‌گری حسب مورد با توافق طرفین و یا به صرف شکایت بزه‌دیده به طور محرمانه^۱ صورت پذیرد. در واقع هرچند برنامه‌های مربوط به عدالت ترمیمی حول محور توافق بزه‌دیدگان و بزه‌کاران صورت می‌گیرند، لکن رهیافت‌های ترمیمی حتی در مواقعی که بزه‌کار تمایلی به ملاقات و همکاری با بزه‌دیده نداشته نیز مهم است (زهر، ۱۳۸۸، صص ۳۶-۳۷). مورد اخیر مربوط به زمانی است که علی‌رغم معرفی بزه‌کار، وی حاضر به پذیرفتن انتساب جرم به خود و در نتیجه جبران خسارات وارده به شاکی نیست. در این حالت توصیه می‌گردد که میانجی‌گری ترجیحاً با حضور یک حقوقدان زبده که معتمد قضایی بوده به پرونده‌ی مطروح رسیدگی و در صورت عدم تصالح و قوی بودن ادله و امارات وقوع جرم، پرونده را به حیث فنی نبودن، به مراجع ذیصلاح انتظامی ارسال^۲ و در

۱. علی‌رغم اهمیت این اصل در انجام میانجی‌گری، این موضوع بنا به توافق طرفین یا حکم قانون استثنائاتی دارد. برای توضیح و تبیین این موارد استثناء رک: (غلامی، حسین؛ مقدم، علی، ۱۳۹۶)، محرمانگی در فرآیند میانجی‌گری کیفری، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۲(۹)، ۲۰۲-۱۷۹.

۲. بنای این پیشنهاد بر حسب مدل "تفویضی" بوده که از سوی برخی حقوقدانان ارائه شده است. در واقع همانطور که عده‌ای با استناد به ظرافت و پیچیدگی‌های کمتر جرایم سبک، این پیشنهاد را داده‌اند که با ارائه آموزشهای لازم، مسئولیت انجام تحقیقات در این جرایم از دادسرا به پلیس قضایی تفویض شود (شیدائیان، ۱۴۰۰، ص ۲۶۵)، میتوان در مرحله‌ی رسیدگی نیز اختیار دادرسی و حل و فصل پرونده‌های سبک و کم‌اهمیتی چون این جرایم مالی خرد پس از دادن آموزشهای لازم به ایشان واگذار گردد.

غیراین صورت آن را مختومه اعلام نماید. درواقع در راستای پیشنهاد برخی حقوقدانان، می‌بایست جرایم سبک و کم‌اهمیتی چون جرایم مالیِ خرد نسبی درکلانتری‌ها، توسط نیروهای آموزش‌دیده رفع و رجوع شود و لازم نبوده اوقات قضات در دادگاه‌ها، صرف چنین مسائل جزئی گردد^۱. همانطور که مشخص است این موضوع مستلزم تفویض برخی اختیارات قضایی به مراجع انتظامی و دادن آموزش‌های لازم به ایشان می‌باشد، کماآنکه در مسئله‌ی جرایم و تخلفات رانندگی این مسئله اتفاق افتاده است^۲؛ لکن جهت رعایت اصل تناسب جرم و مجازات و تکریم هرچه بیشتر حقوق افراد، لازم است با توجه به مبلغ موضوع این جرایم، مجازات‌های مدرج که ترجیحاً می‌بایست خفیف از نوع مالی و انجام خدمات عمومی رایگان باشد، در قانون پیش‌بینی شده و بر حسب موضوع پرونده حکم به آنها داده شود. همچنین می‌بایست ملاحظات لازم در زمینه‌ی نحوه‌ی رسیدگی مراجع مذکور جهت حفظ حقوق شهروندی پیش‌بینی و در قالب دستورالعمل‌ها و ضوابط اجرایی به پلیس ابلاغ گردد. بدین ترتیب با توجه به پرهزینه و زمانبر بودن رسیدگی کیفری و با التفات به مبلغ ناچیز موضوع این جرایم، بناچار جهت جبران خسارات بزه‌دیده، حمایت از حقوق جامعه جهت اعاده‌ی نظم لطمه دیده از جرم و همچنین پیشگیری از ارتکاب جرایم مشابه می‌بایست متوسل به نهادهای موازی چون میانجیگری جماعی و در نهایت مراجع انتظامی شد. بدین طریق ضمن آنکه بزه‌دیده با تحمل کمترین تعلل زمانی و زحمت مالی، متقاضی جبران خسارت خود می‌گردد، مرتکب نیز متوجه شده افراد نسبت به رفتارهای ضدا اجتماعی در محیط زندگی خود بی‌توجه نبوده و این موضوع

۱. برای اطلاع بیشتر در این حوزه رک: خبرگزاری ایسنا، تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۶/۳۱، شناسه خبر: ۱۴۰۰۰۶۱۳۰۸۹۰۹، قابل بازیابی در: xdJWsH/ir.isna

۲. به موجب ماده ۲ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۸: «به افسران کادر و پیمانی مورد وثوق راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که برای تشخیص تخلفات مربوط به حمل و نقل و عبور و مرور تعیین شده و آموزش لازم را دیده اند اجازه داده می‌شود، تخلفات مربوطه را وفق قانون تشخیص داده و قبض جرمیه صادر نمایند».

باعث افزایش حس ترس و خودکنترلی در او می‌گردد.^۱ در حالت اول نیز مظنون اتهام خود را پذیرفته، لکن در رابطه با مقدار و نحوه جبران خسارت توافقی بین ایشان صورت نگرفته و لازم است نهادی بی‌طرف به رفع این مشکل پردازد. در اینجا نهاد میانجی‌گری با تأکید بر غیرقابل قبول بودن عمل ارتكابی و تعیین هنجارها و ضد هنجارها و ایجاد نوعی شرمساری نجات‌بخش، زمینه را برای جامعه‌پذیری بیشتر مرتکب و جبران خسارات بزه‌دیده فراهم می‌نماید (افضلی و دیگران، ۱۴۰۰، صص ۲۱-۲۲). این رویه زمینه‌ای برای تشویق مجرم جهت اعتراف به عمل ارتكابی و همکاری بیشتر جهت جبران خسارت شاکی به منظور ممانعت از قضایی شدن پرونده است.

۳-۲- کاربست نهادهای "میانجی‌گری کیفری جامعوی همراه با نظارت

قضایی" در جرایم مالی خُرد مطلق

در تعریف و تبیین اشتراکات و وجه تمایز این نوع میانجی‌گری از "میانجی‌گری کیفری جامعوی" باید گفت که در اینجا هم بستر جامعه، نقش مهمی در تصالح و رفع اختلاف میان شاکی و متشاکی‌عنه دارد؛ با این تفاوت که همراه با نظارت مقام قضایی به هنگام انتخاب و نصب میانجی‌گرو همچنین به هنگام اتمام این فرایند جهت بررسی نتایج میانجی‌گری می‌باشد (نجفی‌ابرناد آبادی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۸). از طرفی برخلاف "میانجی‌گری کیفری جامعوی"، اصل و بایسته‌های "میانجی‌گری کیفری جامعوی همراه با نظارت قضایی" در قوانین و آیین‌نامه‌ها پیش‌بینی گردیده و تبعاً مقالات و نوشته‌های فراوانی در این حوزه به رشته تألیف درآمده است.^۲ در این رابطه قانونگذار در مصاف با جرایم درجه ۶، ۷ و ۸ تعزیری که شامل جرایم مالی خُرد مطلق نیز می‌شود، صراحتاً در ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری این نوع از میانجی‌گری را پیش‌بینی نموده است

۱. اشاره به نظریه‌ی پنجره‌های شکسته.

۲. برای مطالعه نمونه کامل این پژوهش‌ها رک (فرشی، حمید، ۱۳۹۹). مباحث حقوقی کاربردی میانجی‌گری در امور کیفری، انتشارات چتر دانش، تهران).

(ساداتی و دیگران، ۱۳۹۹، صص ۱۲ و ۱۰). به موجب این مقرر: «مقام قضایی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه‌ای برای میانجیگری ارجاع دهد. مدت میانجیگری بیش از سه ماه نیست...». در رابطه با ضوابط و بایسته‌های مربوط به فرآیند این نوع از میانجی‌گری، می‌بایست به آیین‌نامه میانجیگری در امور کیفری مصوب ۱۳۹۴/۰۸/۰۹ اشاره کرد که صراحتاً قواعد و ضوابط اجرایی این نوع از میانجیگری را پیش‌بینی نموده است.

گفته شد که جرایم مالی درجه ۶، ۷ و ۸ در صورت خُرد و قابل گذشت بودن در این شکل از میانجی‌گری قابلیت رسیدگی دارند؛ لکن با توجه این موضوع که در مصاف با جرایم غیر قابل گذشتی که مستوجب مجازات درجه ۶، ۷ و ۸ تعزیری می‌باشند، نیز می‌توان از میانجیگری مذکور استفاده کرد (خالقی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۷)؛ جهت رسیدگی به برخی جرایم مالی غیر قابل گذشت که مستوجب مجازات‌های مذکور می‌باشند نیز می‌توان از این بستر استفاده نمود. در این حالت، به جرم مالی به عنوان یک جرم کلان رسیدگی شده و در صورت به ثمر نشاندن میانجی‌گری و فقدان سابقه کیفری موثر برای مرتکب، در صورت اخذ موافقت متهم، تعقیب او ۶ ماه تا دو سال معلق می‌گردد^۱. با مطالعه‌ی مجازات‌های جرایم مالی در ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی باید گفت که تنها سرقت‌های تعزیری مواد ۶۶۱ و ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی در صورت کلان و غیر قابل گذشت بودن نیز در نهادهای میانجیگری مورد واکاوی قرار می‌گیرند. از طرفی همانطور که گفته شد، جرایمی چون کلاهبرداری چه در حالت خُرد و چه در حالت کلان در نهاد مذکور قابل رسیدگی نیست؛ زیرا این جرم در سبک‌ترین حالت مستوجب مجازات درجه ۵ تعزیری می‌باشد. با این وجود، شروع به ارتکاب جرم کلاهبرداری درجه ۵، مستوجب مجازات تعزیر درجه ۶ بوده و در نتیجه امکان رسیدگی توافقی آن در نهادهای میانجیگری بعید نمی‌باشد.

۱. در ماده ۸۲ ق.آ.د.ک پیش‌بینی شده: «...در سایر موارد (در صورت غیر قابل گذشت بودن)، اگر شاکی گذشت کند یا خسارت او جبران شود و یا راجع به پرداخت آن توافق حاصل شود و متهم فاقد سابقه محکومیت موثر کیفری باشد، مقام قضائی می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند».

برآمد

گرچه اصالت رسیدگی به جرایم با نهادهای سنتی عدالت کیفری است، لکن در این پژوهش با استناد به یک سری مبانی چون برچسب زنی و هزینه‌های بالای رسیدگی کیفری، مطلوب دانسته شد در مصاف با جرایم کم اهمیتی چون جرائم مالی خُرد از نهادهای ترمیمی چون میانجیگری استفاده شود. همچنین با توجه به این موضوع که جرایم مالی خُرد طی آخرین تحولات حقوق کیفری به سمت خصوصی شدن و مدنی سازی پیش رفته‌اند، لازم نیست که الزاماً توسط نهادهای کیفری مورد رسیدگی قرارگیرند؛ چراکه اولین هدف در رسیدگی به جرایم قابل گذشت، جبران خسارات و صدمات وارده به بزه‌دیده است؛ و در چارچوب برنامه‌های متعلق به عدالت ترمیمی این غرض درکمال مطلوب محقق می‌شود. اینگونه از آثار سوء رسیدگی‌های کیفری هم کاسته می‌شود.

در تعریف جرم مالی خُرد در این مقاله با دو رویکرد مطلق و نسبی مواجه هستیم. در رویکرد مطلق، منظور از جرایم مالی خُرد، جرایمی است که مستوجب مجازاتهای درجه ۶، ۷ و ۸ تعزیری بوده و با پایین بودن مبلغ موضوع آن از نصاب قانونی، قابل گذشت می‌باشد. در تبیین این مشخصه‌ها باید گفت که قانونگذار با توجه به کم اهمیت بودن جرایم تعزیری مستوجب مجازاتهای درجات ۶، ۷ و ۸، در مصاف با آنها نوعی سیاست رسیدگی متفاوت و مخفف در پیش گرفته، همانگونه که بیشتر سازوکارهای ارفاقی دیگر ناظر به این سه درجه می‌باشد. همچنین قانونگذار در ماده‌ی ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با التفات به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، برای خُرد و قابل گذشت شدن برخی جرایم مالی، نصاب قانونی در نظر گرفته است؛ به گونه‌ای که با پایین تر بودن مبلغ موضوع جرم از این نصاب، کم اهمیت و قابل گذشت شناخته می‌شود. در نقطه‌ی مقابل در رویکرد نسبی، صحبت از جرایمی است که با توجه به مبلغ موضوع آن، بزه‌دیده میلی به اقامه‌ی شکایت کیفری نداشته؛ چراکه این اقدام برای او توجیه اقتصادی ندارد. این رویکرد با توجه به نگاه‌های متفاوت افراد بزه‌دیده نسبت به

کلان و یا خُرد بودنِ مبلغ موضوع جرم، نسبی نامیده شد.

قانونگذار در ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری در مصاف با جرایم مالی خُرد مطلق، نهاد میانجی‌گری را پیش‌بینی کرده که با نظارت و کنترل مقام قضایی اقدام به رفع نزاع و ایجاد صلح می‌کند. در واقع با توجه به چشمگیر بودن مبلغ موضوع این جرایم، قانونگذار بستر قانونی و ضوابط نهاد "میانجی‌گری کیفری" جامعوی همراه با نظارت قضایی^۱ را تدارک دیده که حکایت از حساسیت موضوع دارد. بالعکس در مصاف با جرایم خُرد نسبی به نظر می‌رسد قانونگذار صراحتاً سیاست خاصی را اتخاذ نکرده ولی با مطالعه‌ی سوابق قانونی و سُنن حقوقی می‌توان نهادهای میانجی‌گری جامعوی را در مصاف با این جرایم به کار بست. به طور مثال قانونگذار در ماده‌ی ۶ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۰۴/۱۵، صحبت از نهاد قاضی تحکیم کرده که به طور تلویحی می‌توان این نهاد را نوعی میانجی‌گری جامعوی دانست. همچنین وجود سنت‌هایی چون آیین پتر، آیین خون صلح و آیین فصل ناموسی که در آنها با پا درمیانی بزرگتران قبایل، دعاوی مربوط به جنایت ختم به خیر گردیده، نشان از وجود پتانسیل‌های لازم جهت برقراری نهادهای میانجی‌گری کیفری جامعوی در مصاف با کم اهمیت‌تری چون جرایم مالی خُرد دارد.

قانونگذار علاوه بر پیش‌بینی اصل "میانجی‌گری جامعوی همراه با نظارت قضایی"، ضوابط آن را در تاریخ ۱۳۹۴/۰۸/۰۹ طی آیین‌نامه‌ای تصویب نمود. در مقدمه‌ی این آیین‌نامه آمده است که «در اجرای ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحیه آن و به پیشنهاد وزیر دادگستری آیین‌نامه میانجی‌گری در امور کیفری به شرح مواد آتی است». در نقطه‌ی مقابل در رابطه با نهاد "میانجی‌گیری کیفری جامعوی" که در مصاف با جرایم مالی خُرد نسبی به جایگزینی نهاد عدالت کیفری پیشنهاد گردید، قانونگذار ضابطه و بایسته‌ای برای آن پیش‌بینی ننموده که لازم است اقدامات مقتضی در این رابطه صورت بگیرد. همین‌طور لازم است فرهنگ‌سازی لازم جهت مراجعه‌ی هر

چه بیشتر مردم به این نهادهای ترمیمی‌گردد؛ اقدامی که توصیه فراوانی در شریعت ما به انجام آن شده است.

منابع

الف) منابع فارسی

- اسدی، محمدعلی؛ نجفی توانا، علی؛ ناجی زواره، مرتضی. (۱۳۹۸)، رویکرد ترمیمی عدالت؛ آسیب شناسی و بهبود عملکرد، **فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی**، ۲۴ (۸۵)، ۲۴۷-۲۱۷.
- افضلی، سیروس؛ زراعت، عباس؛ شکرچی زاده، محسن. (۱۴۰۰)، الگوی میانجیگری در دادرسی بزه‌دیده بزه‌کارمحور در نظام حقوقی ایران و اسلام، **مطالعات فقه و حقوق اسلامی**، ۱۳ (۲۴)، ۳۸-۷.
- آقای نی، حسین؛ جوانمرد، بهروز. (۱۳۹۰). سیاست کیفری سخت‌گیرانه در قبال جرایم کیفری خرد در پرتو راهبرد تسامح صفر با تاکید بر حقوق کیفری ایران و امریکا. **نشریه دانش انتظامی**، ۱۳ (۲)، ۳۹-۷.
- پاک‌نهاد، امیر. (۱۳۹۹). **دانشنامه جرم‌شناسی نظری**، انتشارات میزان، چاپ اول، تهران.
- جوان جعفری، عبدالرضا؛ ساداتی، سید محمد جواد. (۱۳۹۴)، **ماهیت فلسفی و جامعه‌شناختی کیفر**. انتشارات میزان، چاپ اول، تهران.
- چوپانی مرسی، حبیب‌الله. (۱۳۸۹). **جرایم قابل گذشت در فقه و حقوق ایران**. پایان‌نامه آماده شده جهت دفاع کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد.
- حسینی، سیده سمانه؛ کاظمی گلوردی، محمدرضا؛ شایگان فرد، مجید. (۱۴۰۱)، مبانی فقهی میانجیگری کیفری در عرصه جرائم تعزیری با تاکید بر عدالت ترمیمی، **فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای فقه**، ۲ (۲)، ۱۰۱-۷۹.
- حیدرشناس، زینب. (۱۳۹۲). **تاثیر عدالت ترمیمی در نظام حقوقی ایران و انگلستان با تکیه بر شورای حل اختلاف**، پایان‌نامه آماده شده جهت دفاع کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام‌نور تهران مرکز جنوب.

- خالقی، علی. (۱۳۹۵). **نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری**، انتشارات شهر دانش، چاپ ششم، تهران.
- درگاهی خو، حمید. (۱۳۹۷). **نظریه برجسب‌زنی در سیاست جنایی تقنینی ایران**. پایان‌نامه آماده شده جهت دفاع کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.
- دکتر غلامرضا محمد نسل، **مقاله چاپ شده در روزنامه ایران**، تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۲.
- رستمی، هادی؛ برزگر، مهری. (۱۴۰۱). **کمیته‌گرایی در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری (۱۳۹۹) و چالش‌های فراروی آن. پژوهشنامه حقوق کیفری**، ۱۳(۱)، ۷۵-۹۷.
- رستمی تبریزی، لمیا؛ محتشمی، ندا. (۱۳۹۲). **نظریه تعامل گرای و تحلیل انتقادی آن، مطالعات حقوقی (علوم اجتماعی و انسانی شیراز)**، ۵(۲) پیاپی ۹، ۵۹-۱۰۳.
- رسن، جفری. (۱۳۸۴). **نگاهی به (سیاست) تسامح صفر، فصلنامه فقه و حقوق**، شماره ۴، ۱۸۲-۱۷۳.
- زهر، هوارد. (۱۳۸۸). **کتاب کوچک عدالت ترمیمی**، ترجمه دکتر حسین غلامی، چاپ دوم، انتشارات مجد، تهران.
- ساداتی، سید محمد مهدی؛ ساداتی، سید محمد جواد؛ محمدی کراچی، بابک. (۱۳۹۹). **میانجیگری در فقه امامیه و حقوق کیفری، مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق**، سال چهاردهم، شماره ۴۱، ۳۰-۵.
- سلطانی فرد، حسین؛ المیر، محمود؛ عالی چور، حسن (۱۳۹۸). **دادرسی افتراقی جرائم منافی عفت؛ از مقتضی تعقیب تا صلاحیت سرزمینی، آموزه‌های حقوق کیفری**، ۱۶(۱۸)، ۱۶۸-۱۴۷.

- شیداییان، مهدی؛ نصرتی، یزدان. (۱۳۹۷). شناسایی و چالش‌های تعقیب کیفری با نگاهی به حقوق انگلستان، *دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ۲۳ (۸۲)، ۱۶۵-۱۹۶.
- شیدائیان، زینب. (۱۴۰۰)، *مؤلفه های مدل مطلوب روابط دادسرا و پلیس در نظام دادرسی کیفری جمهوری اسلامی ایران*، شماره ۱۱۴، صص ۲۴۵-۲۷۳.
- صبوحی، رحمان. (۱۳۹۴)، *عدالت ترمیمی در نظام کیفری موضوعه ایران*، انتشارات مجد، چاپ اول، تهران.
- غلامی، حسین؛ مقدم، علی. (۱۳۹۶). محرمانگی در فرآیند میانجیگری کیفری. *مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی*، ۲ (۹)، ۱۷۹-۲۰۲.
- غلامی‌دون، حسین؛ سودانی سادری، بدر. (۱۳۹۸)، قلمرو میانجیگری کیفری در انواع جرایم در حقوق موضوعه ایران، *پژوهشهای حقوق جزا و جرم شناسی*، ۷ (۱۳)، ۳۳-۶۰.
- فتیلی، صادق؛ قدیری بهرام‌آبادی، رشید؛ نایینی، مجید صادق نژاد؛ نقدی دورباطی، مریم. (۱۴۰۰). توسعه جرایم قابل گذشت در قانون کاهش مجازات حبس های تعزیری: بررسی کاربردی چالشها و دستاوردها. *پژوهشهای حقوق جزا و جرم شناسی*، ۹ (۱۸)، ۲۸۱-۳۰۲.
- فرشی، حمید. (۱۳۹۹). *مباحث حقوقی کاربردی میانجیگری در امور کیفری*، انتشارات چتر دانش، تهران.
- فرهادی، هاشم؛ شمس، احمد. (۱۴۰۰)، قضا زدایی از طریق مراجع شبه قضایی (شورای حل اختلاف)، *فصلنامه تعالی حقوق*، ۷ (۴)، ۵۴-۸۳.
- فرهادی، هاشم؛ شمس، احمد. (۱۴۰۱)، نقش عدالت ترمیمی و شورای حل اختلاف در کاهش هزینه های مالی دادرسی، *فصلنامه اقتصاد مالی*، ۱۶ (۲) شماره پیاپی ۵۹، ۳۴۵-۳۴۷.
- محمدبیک، علیرضا؛ شیری ورنامخواستی، عباس؛ خدادی، ابوالقاسم؛

میرابراهیمی، سیدعلی. (۱۳۹۹)، ساز و کارهای حل و فصل غیرقضایی دعاوی کیفری در حقوق جزای اسلامی، *فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، ۱۶(۳)، ۴۱-۶۵.
موسوی، سیدعباس. (۱۴۰۰)، کارکردها و چالش‌های میانجیگری در ایران (با نگاهی به برخی از کشورهای اروپائی و اسناد بین‌المللی)، *فصلنامه تمدن حقوقی*، ۴(۹) شماره پیاپی ۳۵۹-۳۴۳.

میرمحمد صادقی، حسین. (۱۳۹۹). *حقوق کیفری اختصاصی ۲ (جرایم علیه اموال و مالکیت)*. انتشارات میزان، چاپ ۵۷، تهران.

نجفی آبرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۷)، *مختصر جرم‌شناسی (خلاصه‌ی مباحث جرم‌شناسی دکتر نجفی آبرندآبادی)*. تدوین: مجتبی جعفری.

نجفی آبرندآبادی، علی حسین. (۸۴-۱۳۸۳)، *جامعه‌شناسی جنایی (جامعه‌شناسی جرم)*. تدوین: مهدی صبوری‌پور.

نظام حقوقی ایران و اسلام، *مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، ۱۳(۲۴)، ۷-۳۸.
نوریور، محسن؛ سیدزاده ثانی، سید مهدی؛ ناصری‌فورگ، محمدیوسف. (۱۴۰۰). تحلیل عوامل مؤثر بر عدم گزارش بزه دیدگی (مطالعه موردی: دانشجویان پسر دانشگاه فردوسی مشهد). *دو فصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۱۲(۱) شماره پیاپی ۲۳، ۱۹۳-۲۱۸.

نوروزی، نادر. (۱۳۸۴). جرایم خرد علیه نظم عمومی راهبردها و راهکارها. *نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۶۸، ۲۷۷-۲۵۷.

شیعه‌علی، علی؛ زارع، وحید و مجتبی زارع. (۱۳۹۴). جایگاه سیاست جنایی مشارکتی واکنشی در مرحله تعقیب کیفری در حقوق ایران، *فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، دوره ۲، شماره ۴ و ۵، ۲۸۷-۳۱۰.

روزنامه‌ها و سایت‌های خبری

خبرگزاری شبستان، تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۶/۶، شناسه خبر: ۱۰۸۸۶۸۸، قابل

بازیابی در:

<http://www.shabestan.ir/detail/News1088688/>

خبرگزاری شبستان، تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۲/۴، شناسه خبر: ۱۱۶۹۰۷۱، قابل بازیابی

در:

<http://shabestan.ir/detail/News1169071/>

خبرگزاری ایسنا، تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۸/۳، قابل دسترسی در: tab-

۰۰۴Y۱D/ir.nak

خبرگزاری ایسنا، تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۶/۳۱، شناسه خبر: ۱۴۰۰۰۶۱۳۰۸۹۰۹، قابل

دسترسی در: xdJWsh/ir.Isna

خبرگزاری تابناک، تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۳/۲۶، کد خبر: ۱۱۲۴۸۶۷، قابل دسترسی

در: ۰۰۴id/ir.Tabnak

خبرگزاری ایسنا، تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۶/۶، کد خبر: ۱۴۰۱۰۶۰۶۰۴۹۲۲، قابل

دسترسی در: xdMjJD/ir.Isna

خبرگزاری ایسنا، تاریخ انتشار: ۱۳۹۸/۵/۲، کد خبر: kerman-۶۱۸۳۵، قابل

دسترسی در: xdx۲Wf/ir.Isna

پایگاه خبری الف، تاریخ انتشار: ۱۳۹۶/۳/۱۸، کد خبر: (۴۸۰۴۸۱). قابل بازیابی در:

<http://480481?html.alaf.vdccc4xqs2bq408/ir.alef.old/>

پایگاه اطلاع‌رسانی خبرآن‌لاین، تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۸/۳، کد خبر: ۴۷۲۳۳، قابل

بازیابی: xhkzd/ir.khabaronline

روزنامه شهروند: دوشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۱ - ۰۰:۰۰ شماره ۲۵۲۷.

دبیرخانه شورای ارتقای آگاهی‌های عمومی و اطلاع‌رسانی، معاونت اجتماعی و

پیشگیری از وقوع جرم، قابل بازیابی در:

<https://scpd.eadl.ir/news/ID36195/36195/>

<https://hirbodclinic.com/what-you-could-know-about-kleptomania/>

ب) منابع انگلیسی

Allard ,Troy & Stewart ,Anna & Chrzanowski ,April & Ogilvie, James & Birks ,Dan and Little ,Simon ,(2009) . ***The Use and Impact of Police Diversion for Reducing Indigenous Over-Representation, Report to the Criminology Research Council.***

Britain, Great. (2008), ***Reforming bribery, Publisher: The Stationery Office***, London.

Clarkson, Christopher M. V. (2005), ***Understanding criminal law***, 4th Ed, Publisher: Sweet and Maxwell, London.

Harlow, Caroline Wolf. (1985), ***Reporting Crimes to the Police, Publisher: U.S. Dept. of Justice, Bureau of Justice Statistics***, Washington, D.C.

Hemmens, Craig & Brody, David C & Spohn, Cassia. (2010). ***Criminal courts: a contemporary perspective, Publisher: Sage, Los Angeles.***

Motiwalla, Azaz. (2008). ***the dictionary of marketing, Publisher: IKON Marketing Consultants***, Guajarat, India.

Nicholls, Colin & Daniel, Timothy & Bacarese, Alan and John Hatchard. (2011), ***Corruption and Misuse of Public Office, 2nd Ed, Oxford University Press***, New York.

U.S. Attorney's Office, Eastern District of Wisconsin. (1997). ***Victim-witness Handbook, U.S. Department of Justice.***

Walsh, R. Stephen. (2021). ***Key cases in forensic & criminological psychology, SAGE Publications***